

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

پروین رنجبر^۱

چکیده:

چگونگی برآمدن و پائیدن نظام متمرکز شاهنشاهی ساسانی بدون بررسی همراهی نهاد موبدی (روحانیت زرتشتی) با آن، قابل تشریح نیست. روحانیت زرتشتی از سالهای میانی حکومت پارتیان به تدریج سازمان یافته تر و مقتدرتر گردید و سرانجام به دنبال قدرت یابی خاندان ساسان در مقامی رفیع، یعنی در کنار نهاد پادشاهی، به تأثیرگذاری در سیاست های داخلی و خارجی ایران عصر ساسانی پرداخت، اقتدار فوق به خصوص از نفوذ اجتماعی و عمیق نهاد روحانیت، که متکی به آداب و رسوم و نظام اعتقادی و حقوقی آئین زرتشت بود مایه می گرفت. مساله اصلی این پژوهش تبیین نقش و جایگاه کرتیر دربرهه ای از دوران ساسانی است. و در آن تلاش شده به نقش کرتیر در ساختار سیاست دینی ساسانیان پرداخته شود. در مقاله پیش رو اطلاعات به شیوه کتابخانه ای گرد آوری شده و روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش نشان داده است که: یکی از طبقات جامعه ساسانی روحانیون یا آسرونان بودند که رئیس آن در زمره طبقه ممتاز جامعه قرار داشت. از جمله روحانی زرتشتی که دوران پادشاهی ساسانی (از اردشیر تا نرسی) را تجربه کرد، کرتیر بود که توانست در پی اقدامات، فعالیتها، توانایی و احتمالاً نبوغ و شخصیت کارزماتیک خود به جمع بزرگان جامعه ساسانی راه پیدا کند. وی کوشید به نهاد روحانیت زرتشتی شخصیت و اعتبار بخشد و در شکل گیری مذهب رسمی جامعه ساسانی و ساختار دینی آن موثر واقع شود. و باروی کار آمدن نرسی اقداماتی که انجام داد یادآور واقع دستگاہی که ترتیب داده بود، اگر نه تماماً، اما کم رنگ شد و سپس خود وی نیز در تاریخ محو و گم شد.

کلید واژه: ساسانیان، روحانیت زرتشتی، کرتیر، سیاست دینی، زرتشتی

^۱ دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب مدرس دانشگاه فرهنگیان شیراز
ranjbarp1358@gmail.com

مقدمه

در اعصار باستانی تاریخ و تمدن ایران طبقه‌ی مغان همواره از طبقه‌های متنفذ و بسیار مهم جامعه محسوب می‌شدند، و بر امور مختلف جامعه مانند سیاست، مذهب، قضاوت و امور اجتماعی اشراف کامل داشتند و پس از پیدایش آئین زرتشت که احتمالاً در اوایل هزاره‌ی اول پیش از میلاد بوده، این طبقه‌ی روحانی بعداً با روحانیت زرتشتی تلفیق شدند و همچنان جایگاه خویش را حفظ نمودند و گاهی هم متناسب با سیاست مذهبی هر دودمان، فراز و نشیب‌هایی در پایگاه اجتماعی آنان ایجاد می‌شد. مثلاً با وجود احترام قابل قبولی که در دوره‌ی شاهنشاهی هخامنشی داشتند، اما در عصر پارت‌ها به علت سیاست مذهبی این خاندان شاهد تنزل شأن و موقعیت اجتماعی این طبقه‌ی روحانیت زرتشتی هستیم و در این دوره در کنار دیگر اقلیت‌های مذهبی قرار گرفتند. اما با روی کار آمدن شاهنشاهی ساسانی هم نشینی جالب بین آئین زرتشت و دولت برقرار شد. شاهنشاهی ساسانی با تقویت و رسمی نمودن دیانت زرتشتی، دوره متفاوتی را در تاریخ ایران باستان آغاز نمود که برخلاف دوره هخامنشی و پارتی برای سایر ادیان پیامدها و عواقبی داشت. رسمیت یافتن دین زرتشت و ارائه‌ی تفسیری رسمی از آن در دوره ساسانیان، شاهنشاه را در رأس قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی قرار داد. هرچند با توجه به حمایت شاهنشاهی ساسانی از دین زرتشت، موبدان، هیربدان و متصدیان زرتشتی نفوذ و اعتبار زیادی در حکومت یافتند، اما در این دوره آموزه‌های دیانت زرتشت به منظور کسب قدرت بیشتر شاهنشاه به کار گرفته شد. به عبارتی تعالیم زرتشت اساس و پایه‌ی حکومت ساسانی نبود، بلکه از آن به عنوان ابزار کسب مشروعیت استفاده می‌شد. از جمله روحانیون زرتشتی که در این زمینه تلاش‌های زیادی انجام داد موبدان موبد کرتیر بود، که عصر شاهان آغازین این شاهنشاهی را تجربه کرده و تلاش‌های فراوانی در جهت زدودن بدعت‌ها و انسجام دین ملی ایرانیان و جامعه‌ی ساسانی نمود. پژوهش

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

حاضر سعی دارد با بررسی منابع دوره ساسانی با اندک نگاهی جدید به شخصیت کرتیر روحانی زرتشتی و نقش او در ظهور سیاست دینی شاهنشاهی ساسانی بپردازد.

پیشینه پژوهش

دریایی و ملک زاده در سال ۲۰۱۵ در مقاله «چرا کرتیر فراموش شد؟» این مساله را بررسی کرده اند که چرا با وجود اقدامات بسیار مهم کرتیر، در اسناد دوره های بعد تاریخ ساسانی نامی از او نیامده است. حسینی در سال ۱۳۹۲ در مقاله «کرتیر و ظهور سیاست دینی در اوایل دوره ساسانی»، سیاستهای دینی را به کرتیر نسبت داد. صالحی وستاریان در سال ۱۳۸۸ در مقاله «نقش روحانیون زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانی» به نقش کرتیر در ایجاد سلسله مراتب روحانیان زرتشتی دوره ساسانی و اهمیت یافتن این قشر توجه کرد. برمند اعلم در سال ۱۳۸۸ در مقاله «نقش کرتیر در تحولات آیین زرتشت در عهد ساسانیان» سیاستهای دینی کرتیر و پیامدهای آن برای مذهب زرتشتی را بررسی کرده است. الهیاری در سال ۱۳۸۶ در مقاله «فرایند رسمی شدن آیین زرتشت در آغاز حکومت ساسانی» و همچنین در سال ۱۳۸۷ در مقاله «تعامل دین و دولت در ایران باستان» به نقش کرتیر در ایجاد سلسله مراتب روحانیت زرتشتی دوره ساسانی و اهمیت یافتن این قشر توجه کرد. آموزگار در سال ۱۳۸۴ در مقاله «گزارشی ساده از سنگ نوشته های کرتیر» ترجمه کتیبه های کرتیر را چاپ کرده است. دانیالی در سال ۱۳۸۳ در مقاله «کرتیر در آیین تاریخی» بر پایه متون تاریخی و کتیبه ها به شرح شخصیت و کارهای کرتیر پرداخت. دریایی در سال ۱۳۷۸ در مقاله «نگاهی به بدعت گرایی در دوره ساسانی» به اقدامات مذهبی که کرتیر انجام داده بود، توجه کرد. همچنین، همین نویسنده در مقاله «کتیبه کرتیر در نقش رجب»، یکی دیگر از کتیبه های متعلق به کرتیر را مطالعه و بررسی کرده است. برای نخستین بار تفضلی در سال ۱۳۷۸ در مقاله «کرتیر و سیاست اتحاد دین و دولت در دوره ساسانی»، اتحاد دین و دولت را به کرتیر نسبت داده است. رجبی در سال ۱۳۵۰ در

مقاله «کرتیر و سنگ نبشته اودر کعبع زرتشت» پژوهش توصیفی در مورد کرتیر و کتیبه او ارائه داد.

زمینه تاریخی

در عصر نخستین شاهنشاهان ساسانی دو گرایش دینی عمده، وجود داشت که هر یک از آنها می‌کوشید به آیین رسمی دستگاه دولتی تبدیل شود. نمایندگان این دو گرایش دینی، مانی و کرتیر بودند. شاهنشاهی به مقتضای وحدت سیاسی به دین رسمی واحدی نیاز داشت. آیین مانی از آنجا که عناصر اصلی ادیان بزرگ را در خود فراهم داشت جلب نظر می‌کرد. دین زرتشتی نیز که توانسته بود خود را با سنت‌ها و معتقدات آریایی سازگاری بخشد، زمینه‌ی بسیار مساعدی داشت. سرانجام در کشمکش میان این دو گرایش دینی، کرتیر پیروز شد و توانست قدرت سیاسی شگرف شاهنشاهی را پشتیبان خود سازد (سمیعی، ۱۳۵۵: ۱۵). موقعیت و جایگاهی که دین و اصحاب دین در زمان ساسانیان به دست آورده بودند، قابل تامل است. در دوره شاهنشاهی ساسانیان، مغان (روحانیون) جنبه قدسی خویش را شامل حال حکومت دنیوی نمودند. و در همه شئون جامعه و در همه احوال زندگی هر ایرانی دخالت می‌کردند (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۸۹). مجموعه عوامل دور و نزدیکی در سده سوم میلادی باعث گردید تا روحانیان به عنوان پیشوایان دینی از نفوذ و قدرت زیادی در دولت ساسانی برخوردار گردند. وابستگی خاندان سلطنتی به معبد آناهیتا در استخر فارس و دخالتی که روحانیان در به قدرت رساندن اردشیر بابکان داشتند را می‌توان از علل نزدیک این مجموعه به حساب آورد (ایمانپور، ۱۳۶۹: ۱۱۹). و همچنین نخستین پادشاهان ساسانی چون از لحاظ اعتقادات پیرو آیین زرتشت بودند از روحانیت زرتشتی پشتیبانی می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۸۰: ۳۲۷). علاوه بر این، سیاست مذهبی شاهان اشکانی در تسامح

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

مذهبی و بی‌علاقگی به آیین زرتشت، باعث کاهش مقام و منزلت موبدان زرتشتی و پیشرفت دین‌هایی تازه در پیرامون ایران، از عواملی بودند که مدتها قبل از روی کار آمدن ساسانیان، زمینه را برای نفوذ پیشوایان دینی در کشور فراهم کرده بودند. علت این مساله هم در اعتقادات پیروان دین زرتشتی نهفته بود که به موبد بودن زرتشت اعتقاد داشتند (ایمانپور، ۱۳۶۹: ۱۲۰-۱۱۹). بنابراین برای روحانیت زرتشتی با اعتبار مذهبی و اجتماعی‌ای که از دیرباز در جامعه ایرانی از آن برخوردار بودند، در دوره‌ای که دین زرتشتی در ایران مورد توجه واقع شد و از حمایت دولت برخوردار گردید، فرصتی مناسب فراهم شد تا بر دامنه فعالیت و نفوذ خود در تمام شئون کشور اعم از اجتماعی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی بیفزایند. روحانیت زرتشتی علاوه بر امور شرعی و عرفی که مردم را در جهت رسیدن به تهذیب نفس و سامان دهی به کارهای روزمره هدایت می‌کردند به دلیل انحصاری شدن امور قضائی و آموزشی در طبقه روحانیت به قدرت و نفوذ قابل توجهی دست یافتند. از جمله عوامل دیگر نفوذ و همکاری روحانیان زرتشتی در دولت ساسانی، برداشتی بود که درباره مقام سلطنت وجود داشت. چرا که مقام سلطنت در ایران از همان ابتدا، بار مذهبی داشت که بر اساس آن، شاه دارای فره ایزدی بوده و سایه خدا بر روی زمین محسوب می‌شد یعنی او در واقع هم شاه بود و هم موبد (ایمانپور، ۱۳۶۹: ۱۲۱-۱۲۲).

مبانی دین زرتشت

شاهنشاهان ساسانی در آغاز اعلام دین زرتشت به عنوان آئین رسمی خویش، آتشکده‌های زرتشتی را چون تکیه‌گاهی پایدار جهت فرمانروایی خود یافتند. مذهب بعنوان عامل تعیین‌کننده حدود و ثغور اجتماعی و منزلتها و ضامن حفظ موقعیت طبقات و پشتیبان دولت در اعمال سیاست داخلی و خارجی محسوب می‌شد و دولت نیز نگاهبان مذهب و مروج آن بود و اگر گاهی این نظام هماهنگ بدلیل رقابت بین قدرت

سلطنت و اشرافیت و روحانیت، دچار نشیب و فراز می‌گردید همانطور که در عهد بهرام اول و نرسی و خسرو انوشروان چنین بود، بازهم پایگاه اجتماعی و سیاسی مذهب زرتشتی و نقش مؤثر آن در سیاست مملکت از بین نرفت. (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۴۲: ۷۴). زرتشت در هنگام طلوع حکمرانی ساسانیان، یگانه دین موجود در ایران نبود و در کنار ادیان دیگر از جمله مانویت، بودا، یهودیت، مسیحیت به حیات خود ادامه می‌داد. این به معنای وجود تکرری از گفتمان‌های اعتقادی در قلمرو پارس در زمان بروز و نمود حکمرانی ساسانیان است.

اردشیر، مؤسس سلسله‌ی ساسانیان، پیروزی خود را بر اردوان اشکانی در حکم پیروزی نهایی اورمزد بر اهریمن قلمداد می‌کرده و بدین گونه منشأ سلطنت خود را چیزی از نوع فره‌خورند (ایزدی یا کیانی خدایی) می‌دیده و به همین اندیشه به مردم ایران وانمود می‌کرده است که حکومت وی از طرف ذات باری تعالی مقدر و مقرر شده و عموم باید از وی و مقررات مذهب زرتشت، یگانه دین رسمی اعلام شده که به واسطه مغ‌ها، یعنی عمال قدرتمند او در تمام بلاد ایران، رسمیت یافته بود، اطاعت کنند (حقیقت، ۱۳۸۶: ۲۹). پادشاهان پیشین نیز در هنگام تاج‌گذاری‌ها و فتوحات، خود را به مزدا نسبت می‌دادند، اما ایدئولوژیک نمودن یک دین (زرتشت) به عنوان رکن عقیدتی حکومت تا زمان ساسانیان بی‌سابقه بود و همین مساله ابزاری شد برای قدرت سرکوب سایر ادیان موجود در قلمرو پارس (انصافی، ۱۳۹۸: ۱-۱۳).

در زمان اشکانیان، به دلیل تساهلی که وجود داشت، زروانیان در کنار مهرپرستان و سایر ادیان دیگر زندگی توأم با رواداری داشتند، اما از دوره‌ی ساسانیان به بعد، موبدان زرتشتی برای بسط گفتمان الهیاتی خویش به معاند معرفی کردن زورانیسم پرداختند (عبداللهی، ۱۳۶۹: ۲۳۰). وضعیت سایر مذاهب از

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

جمله مذاهب وارداتی که پیروان شان بنا به دلایل تاریخی و سیاسی به ایران قدم گذاشته بودند نیز به مراتب بدتر از ادیان بومی بود. «مسیحیان» در دوره ی پار تها وارد ایران شدند و آزادانه به تبلیغ و انجام امور دینی خود می پرداختند، اما با روی کار آمدن ساسانیان و به خصوص دوران بهرام های سه گانه که هم زمان با اوج گیری الهیات سیاسی زرتشتی به دست «کرتیر»، موبد قدرتمند زرتشتی بود، عرصه برای آن ها تنگ شد. «کرتیر» خود در بند ۱۰ کتیبه ی «کعبه ی زرتشت» که در حدود ۲۸۰ میلادی نگاشته شده است، به تعقیب و آزار مسیحیان (زتن = زدن، کشتن) اشاره می کند و می گوید: «برهمنان، نصاریان و مسیحیان، مغتسلان و مانویان (زندیقان) اندر شهر زده شدند و بت ها ویران شدند و لانه ی دیوان درهم آشفست (نابود شد) و گاه و نشیمن ایزدان شدن؛ و شهر به شهر، جای به جای، بس کردگان ایزدانی افزونی گرفت، بس آذران بهرام نشانید، بس مغ مردان خوشبخت و کامیاب شدند و بس پیمان نامه برای آذران و مغان مهر شدند؛ و به وصیت نامه ها، پیمان نامه ها و ماتیگان هایی که در زمان بهرام شاهان شاه برامگان کعبه ی زرتشت. (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۸۶-۹۱). «بودائیان و یهودیان» نیز همچون سایر ادیان مورد ذکر در فرآیند غیرسازی زرتشیان، طرد و سرکوب شدند، اما طبق منطق گفتمانی هویت ها به طور کلی از بین نمی روند بلکه در حول گفتمان غالب به چرخش می پردازند تا در شرایط مطلوب با پس زدن گفتمان غالب که دچار ازجادرفتگی شده، جایگاه دال مرکزی را اشغال کنند (انصافی، ۱۳۹۸: ۴۶).

کرتیر

درباره نام کرتیر در بین پژوهشگران تاریخی بحث وجود دارد که برخی آن را نام و برخی آن را لقب می دانند. در فاصله بین فرمانروایی دو شاپور تقریباً به غیر از نرسی

ضعف پادشاهی ساسانی موجب چیرگی نجبا، بزرگان و بخصوص مداخله موبدان در امور مربوط به حکومت شد (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۲). کردر که به غلط غالباً به صورت کرتیر نوشته می شود، به معنی برنده است. (به نشان کلاه او که شبیه قیچی می باشد توجه شود. اوروحانی مقتدر و پرنفوذی است که پس از شاه تنها شخصی است که از خود سنگ نوشته ای بزرگ در کعبه زرتشت در نقش رستم برجای گذاشته است (رجبی، ۱۳۸۴: ۸۵). کریستن سن نام کرتیر را ناروشن دانسته است وی معتقد است کرتیر نام شخص نیست بلکه لقب و عنوانی است که به شخص بلند پایه و دارای منصب عالی داده شده است (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۳۱۸). برخی نیز معتقدند که کرتیر عنوان و لقب افتخار آمیزی است که به صاحب عنوان می دادند و این را مختص شخصیت‌های دارای مقام برجسته دانسته اند (پیگولو سکایا، ۱۳۷۷: ۱۶۹). برخی از جمله وست کرتیر را تاج ترجمه کرده است، سامی به نقل از اسپرینگ بیان میکند که، پس از مطالعه کتیبه های پهلوی در سال ۱۹۴۰ م نشان داد که اسم مذکور نام هیر بدن هیرید در زمان شاپور اول بوده است (سامی، بی تا: ۲۸-۳۰).

در میان واژه های «کرتک» و «کرده» و یا «کرت» در پهلوی فارسی و گویشهای ایرانی به معنی بخشی از چیزی یا قطعه زمینی محدود شده یا بریده شده از زمینهای پیرامونش می باشد. کاربرد به معنی بریدن و کارد نیز در فارسی به معنی قیچی می باشد. که با واژه کرتیر چه نام باشد و چه لقب همبستگی دارد. برخی نیز با توجه به نشان قیچی کرتیر را دوزنده (خیاط) معرفی کرده اند. که با توجه به نظام کاستی حاکم بر جامعه ساسانی پذیرفتنی نیست. که چنین شخصی بتواند به چنین جایگاهی دست یابد (ذکاء، ۱۳۶۶: ۷۳۹). بنابراین با توجه به یافته های تاریخی به نظر می رسد که کرتیر عنوان و منصب باشد. عده ای نیز کرتیر و تنسر را یکی می دانند و برخی نیز معتقدند که تنسر پیشکسوت کرتیر بوده و باید آنها را دو شخصیت بدانیم (Boyce, Mary, ۱۹۶۸: ۱۰-۱۲). آنجا که نقش کرتیر یک

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

نقش اجراکننده است باید قوانین دینی استقرار یافته ای از پیش وجود می داشت که نمی توانست کار کرتیر بوده باشد. چرا که در این صورت در کتیبه های خود به تدوین آنها اشاره می کرد (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۳۳۸). یکی بودن تنسر و کرتیر به علت یکی نبودن نام و همچنین که عنوان تنسر هیربد هیربدان در دوره اردشیر است. در حالی که کرتیر در دوره شاپور است بعید به نظر می رسد (زریاب خویی، ۱۳۵۴: ۴۶-۴۷). بنابراین آنچه از یافته های تاریخی به دست آید روشن می سازد که کرتیر روحانی پرنفوذ زرتشتی بود که در مدت سلطنت هفت پادشاه ساسانی، از اردشیر بابکان تا نرسه می زیست و متجاوز از یک ربع قرن سرنوشت همه ی کشور را در دست داشت (تفضلی، ۱۳۷۰: ۷۲۳). کرتیر مردی بود قشری، هراس انگیز و سختگیر که برای به کرسی نشاندن آیین زرتشت به عنوان یگانه دین رسمی شاهنشاهی ساسانی با تعصب تمام تلاش های فراوان کرد و پیروز شد (سمیعی، ۱۳۵۵: ۱۵). سیمای کرتیر را نیز از تصویرهایی که بر صخره ها پدید آمده، می شناسیم. او مردی است سالمند، بدون ریش که کلاهی با نشان بر سر و پوشاک رسمی بر تن دارد. از کرتیر چهار کتیبه ی بزرگ در محلی که پیش از او تنها جایگاه کتیبه های شهریاران ایران بود بجا مانده است. کتیبه های کرتیر به طور کلی دو موضوع عمده را در بردارند: نخست معرفی او و القابی که داشته و شرح کارهایی که در زمان هر پادشاه انجام داده است و دوم شرح معراج او (تفضلی، ۱۳۷۶: ۹۰). کرتیر در آغاز نوشته خود آگهی داده که در روزگار فرمانروایی شاپور یکم شاهنشاه ایران وی از سوی شاهنشاه به سمت موبدان موبد سراسر کشور منصوب شده است. کرتیر به فرمان شاپور یکم در سراسر کشور آتشکده ها (آتش بهرام) پدید آورد و دین ایزدی را استوار کرد. خدمتگزاران آتشکده ها نیکبخت و شادکام شدند. و بسیاری از آتشکده ها به پرستشگاه های رسمی کشور بدل شدند (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

یکی از اقدامات کرتیر برای حقانیت بخشیدن به اقدامات خود، معراج اوست که شرح آن را در دو کتیبه سرمشهد و نقش رستم آورده و در کتیبه نقش رجب به آن اشاره کرده است و نقش برجسته‌ای از آن در سرمشهد وجود دارد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۳۳). در آغاز این بخش از کتیبه به روایت اول شخص آمده است که چون کرتیر از آغاز کار نسبت به ایزدان و خداوندگاران مطیع و نیکخواه بوده است، خداوندگاران و ایزدان او را محترم و شریف داشته‌اند و او در زندگانی به مقام برجسته در کشور رسیده است. آنگاه از ایزدان خواسته است که همان‌گونه که در زندگانی چنین مقامی را بدو ارزانی داشته‌اند، در صورت امکان جهان دیگر را نیز بدو بنمایاند که بداند کارهای نیک این جهان و نیکوکاری و بدکاری در جهان دیگر چگونه است تا در امور مربوط به جهان دیگر با اعتمادتر و بهتر از دیگران شود. همچنین از ایزدان درخواست می‌کند راه شناختن بهشت و دوزخ را بدو بنمایاند و بدو نموده شود که پس از مرگ آیا رستگار است و دین وی را به بهشت می‌برد یا اینکه گناهکار است و دین او را به دوزخ رهنمون می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۳۴). پس از آن دعایی آیینی را که ظاهراً وسیله‌ای برای رفتن او به عالم خلسه و رسیدن به کشف و شهود است می‌خواند و بدین گونه به عالم دیگر می‌رود. حوادث بعدی از زبان اشخاص دیگر که ظاهراً راویان داستان هستند و گویی کرتیر را همراهی می‌کرده‌اند، نقل می‌شود. به روایت اینان کرتیر شهریاری را می‌بیند که بر اسب نجیبی سوار است و در دست درفشی دارد. (احتمالاً منظور از شهریار فروهر یا خود آسمانی کرتیر یا ایزد بهرام است.) بعد شخصی که همزاد یا هم‌شکل کرتیر نامیده شده، همچون شهریاری که بر تختی نشسته، ظاهر می‌شود. سپس زنی از جانب مشرق متجلی می‌گردد و کرتیر می‌گوید که زنی شریف‌زاده‌تر از او ندیده است. این زن که تجلی دین است به هم‌شکل کرتیر خوش آمد می‌گوید و هر دو باهم رهسپار راه نور می‌شوند. در این راه به شهریار دیگری برمی‌خورند که ترازوئی در دست دارد و همان ایزد رشن است که در منابع پهلوی،

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

زرتشتی وظیفه‌ی سنجش اعمال مردمان پس از مرگ برعهده‌ی اوست. دین و هم‌شکل کرتیر در برابر این شهریار می‌ایستند و سپس دست در دست یکدیگر به سوی مشرق به راه خویش ادامه می‌دهند. سپس در آن جاده‌ی نور به نزد شهریار دیگری می‌رسند که به گفته‌ی راویان معراج از شهریاران دیگر والامرتبه‌تر است و شاید یکی دیگر از ایزدانی باشد (احتمالاً مهر یا سروش که روان را در جهان دیگر همراهی می‌کنند). در اینجا چاه دوزخ را می‌بینند و می‌خواهند که به راه خود ادامه دهند اما به آنان گفته می‌شود که چاره‌ای نیست جز اینکه از پلی که بر روی آن چاه است (پل چینود) و بیشتر به تیغی می‌ماند، بگذرند. دین و هم‌شکل کرتیر به سوی پل روانه می‌شوند و آن پل برای آنها پهن‌تر می‌شود و در اینجا شهریار دیگری را می‌بینند که از آن سوی پل به پیش می‌آید. کرتیر پس از عبور از پل و رسیدن به آن دو دست دین و هم‌شکل خود را می‌گیرد و از روی پل به پیش می‌رود در حالی که هم‌شکل او در پیش و دین در پس او حرکت می‌کند. (این شهریار احتمالاً ایزد سروش است که بنا به روایت مینوی خرد روان را در گذشتن از پل همراهی می‌کند (جهانپور، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۳). پس از عبور از پل در حالی که آن شهریار در پیش در حرکت است و به دنبال او و هم‌شکل کرتیر و بعد دین می‌آیند، به ایوانی داخل می‌شوند. در برابر آن ایوان تختی است. کرتیر و در پیشاپیش او دین به بالا می‌روند و در غرفه خاصی می‌نشینند. آنگاه هم‌شکل کرتیر نان و می بر می‌گیرد. در متن سخن از کاخ‌های مختلف است و سفر آسمانی در سه یا چهار مرحله (مطابق با طبقات آسمان) انجام می‌گیرد و در هر طبقه کاخ خاصی است. سرانجام همه به حضور اورمزد می‌رسند و ظاهراً اورمزد با انگشت هم‌شکل کرتیر را نشان می‌دهد و به نشانه رضایت لبخند می‌زند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۳۳-۷۳۵). این مطالب می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که کرتیر به بحث ایدئولوژی و نقش آن در قدرت سیاسی توجه بسیاری داشته است. بنابراین اندیشه سیاسی او که در قالب اندیشه دینی با نماد اصلی آن یعنی آتشکده در سراسر شاهنشاهی

ساسانی اعمال می شود، پاسخ به یک بحران در جامعه ساسانی است، بحرانی که یکی از اصلی ترین عاملهای شکل گیری اندیشه سیاسی کرتیر بوده و به همین سبب اندیشه سیاسی اش در قالب اندیشه دینی ارائه شده است (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۱).

کرتیر و ظهور سیاست دینی

کرتیر (از اردشیر یکم تا نرسی) از شاهان نخستین ساسانی بالاترین مقام مذهبی را در اختیار داشت که توانست پله های ترقی را به تدریج طی نماید و اقدامات فراوانی در امور مختلف سیاسی، مذهبی، اجتماعی دولت ساسانی انجام دهد و کتیبه های فراوانی از خویش بر جای گذاشت و طبق نوشته ی وی در کعبه ی زرتشت جایگاه خودش را این گونه معرفی می کند؛ پس من کرتیر موبد برای آن خدمتی که توانستم برای شاپور شاهان شاه بکنم به خاطر آن شاپور برای امور دینی در دربار و همه ی کشور و همه ی جاها و در انجمن مغان به من اختیار تام داد و به فرمان شاپور شاهان شاه و پشتیبانی ایزدان در همه ی شهرها و کشور امور دینی گسترش یافت و بسیاری آتشکده ها نشانده شدند و بسیاری از مغان خوشبخت و کامیاب شدند و از این کارها برای اورمزد و ایزدان بزرگ سود رسید و برای اهریمن و دیوان بزرگ ضرر، شاپور شاهان شاه نیز به من دستور داد آن چه که می دانی برای ایزدان و برای ما سودمندتر و بهتر است همان را انجام بده و در زمان شاپور شاهانشاه بر همه ی پیمان نامه ها و ماتیکان ها مرتبه ی مرا اینگونه نوشتند: «کرتیر هیربد» (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۸۶-۸۷).

ملیحه کرباسیان و محمد کریمی زنجانی متذکر می شوند که قدرت و نفوذ کرتیر در امور مختلف از زمان شاپور اول شروع می شود و از کتیبه ها چنین بر می آید که در زمان اردشیر نقش عمده ای نداشته است، از گفته های خود کرتیر چنین بر می آید که در زمان شاپور بزرگترین قدرت دینی را دارا بوده است و در جایی دیگر ذکر می کند «کارهای

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

ایزدان» افزایش یافت، منظور او موقوفات و امور مربوط به کارهای ایزدان است که موبدان سرپرستی آن‌ها را برعهده داشته‌اند و منبع درآمد خوبی برای آنان بوده است، و در مطالبی متذکر می‌شود: «این خانه‌ی بنیادین تو را باشد هرچه برای اعمال ایزدان و برای ما بهتر است، همان کن» منظور او از خانه‌ی بنیادین همان کعبه‌ی زرتشت است که شاپور آن را احتمالاً برای حفظ اسناد و مدارک مربوط به آتشکده‌هایی که تأسیس کرده اختصاص داده بود اما با این وجود شواهدی وجود دارد که حاکی از آن است که آنچه کرتیر در مورد اقتدار خود در عصر شاپور بیان نموده گزاره‌گویی است. مانند ظهور مانی که در عصر شاپور اول بود و به حضور شاپور رسید و اجازه یافت که دین خود را آزادانه ترویج دهد و پیروز یکی از برادران شاپور واسطه‌ی ملاقات مانی و شاپور بود و برادر دیگر او مهرشاه، فرمانروای میشان به آئین مانی گروید و مانی کتاب شاپورگان را برای وی نوشت، و با توجه به نوشته‌های مواعظ مانوی از زبان مانی خطاب به بهرام اول آمده است که شاپور شاه مرا تیماری داشت، و نامه‌هایی به سرزمین‌ها خطاب به بزرگان نوشت تا مرا پشتیبانی کنند، همه‌ی این شواهد حکایت از روحیه‌ی تسامح شاپور می‌باشد و از طرفی گزاره‌گویی‌های کرتیر در مورد میزان قدرت مذهبی در این دوران، و در جایی دیگر در کتاب دینکرد چهارم می‌خوانیم که شاپور دستور داد کتب مختلفی در زمینه‌های پزشکی و ستاره‌شناسی و... از هندوستان و روم و دیگر سرزمین‌ها که در آن‌جا پراکنده بودند جمع‌آوری کنند و به اوستا افزودند، که این گواه دیگری بر کذب آن مدعا می‌باشد (کرباسیان و کریمی زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۸). از آن‌چه در خصوص پایگاه اجتماعی کرتیر در عصر شاپور اول بیان گردید می‌توان استنباط نمود که از نظر مذهبی در این زمان موقعیت ممتازی و ویژه‌ای داشته و در انجام امور موبدان و آتشکده‌ها و دیگر امور مذهبی اقداماتی شایسته انجام داده است، اما روحیه‌ی تسامح شاهنشاه در امور مذهبی حاکی از گزاره‌گویی‌های کرتیر می‌باشد و این روحیه تسامح شاپور احتمالاً

به خاطر تثبیت پایه های قدرت و جلب حمایت اقلیت های مختلف اجتماعی و مذهبی برای جلوگیری از تنش های داخلی از یک طرف و مقابله با تهدیدات خارجی از سوی دیگر بوده است.

اما به نوشته ی کرتیر: «پس از این که شاپور از دنیا رفت و پسرش هرمزد به پادشاهی رسید، مرا کلاه و کمر بخشید (کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت، ۱۳۸۲: بند ۴ و ۵). و جایگاه و مرتبه ی مرا در دربار و همه ی کشور برتر کرد و مرا در امور دینی فرمانروا تر کرد و نام مرا «کرتیر موبد هرمزد» نهاد. و مرا گاه ورده بزرگان داد و مراد دربار، شهر به شهر، جایی به جایی در همه شهر در کردگان ایزدانی پادشاه تر و کامکار تر کرد آنگونه که پیش تر نبودم (بند ۶). و در این دوره نیز امور مذهبی و دینی فزونی یافت و آتشکده های فراوانی ایجاد شد و مغان سعادت مند شدند. پس از آن که هرمزد از دنیا رفت و بهرام پسر شاپور به پادشاهی رسید مرتبه ی مرا مانند زمان هرمزد حفظ کرد (بند ۷). و همانگونه همه ی اختیارات امور مذهبی و دینی را به من داد و آتشکده ها و امور دینی مانند هرمزد گسترش یافت و نام مرا در پیمان نامه ها و وصیت نامه ها «کرتیر، موبد هرمزد» نوشته شد (همان: بند ۹). از کلاه و کمر دو معنی می توان برداشت کرد یکی تبدیل وضعیت این روحانی از یک عنوان به عنوان دیگر مثلا از هیربد به موبد و دوم ارتقای جایگاه وی در نظام طبقاتی جامعه روزگار خود یا نهاد روحانیت. در نظام طبقاتی ساسانی دو احتمال دیگر نیز وجود دارد: یک رده موبدی بالاتر از هیربدی بوده است هر چند در کیفیت آن هیچ نظری نمی توان داد و دو مقام هیربدی در زمره مقامات عالی مذهبی اوایل دوره ساسانی در مغستان بوده است. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که منظور از بزرگان چه کسانی بوده است؟ از نظریسهوفر بزرگان، سران مهم ترین خاندانهای نجبا را در بر می گیرند که در آن زمان بالاتر از همه خاندانهای، پارتی، سورن، قارن، اربابان اوندیگان و سایر نجبای بلند پایه بودند (ویسهوفر، ۱۳۸۲: ۲۱۳). از نظر کریستن سن بزرگان صاحب منصبان بزرگ

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

دولتی و عالی ترین نمایندگان ادارات بودند (کریستن سن، ۱۳۷۵: ۱۶۸). با توجه به کتیبه نرسی در پایکولی و قرار گرفتن شخص کرتیر در کنار عناوینی مانند ارگبد، هزاربد، شاهزاده، بیدخش، بزرگان سورن، کارن، سپهدو... به نظر می رسد که وی حقیقتاً به این جایگاه و پایگاه اجتماعی دست یافته است (فرای ۱۳۸۲: ۵۰۵). بنابراین اگر مطالب این بخش از کعبه ی زرتشت مورد استناد قرار گیرند، کرتیر پس از مرگ شاپور و روی کار آمدن هرمزد اختیارات بیشتری را در امور مذهبی برعهده داشته و لقب وی «کرتیر موبد هرمزد» نگاشته شده که کلمه ی موبد را نخستین بار در مورد کرتیر از دوره ی این پادشاه می بینیم و اگر این اسناد را معتبر بدانیم بالاترین شخص روحانی مملکت در این دوره بوده است. اما اوج قدرت کرتیر در عصر بهرام دوم می باشد که در این جا به بررسی جایگاه و تکاپوهای این روحانی در این دوره می پردازیم؛ به نوشته ی کتیبه ی کرتیر در کعبه ی زرتشت موقعیت خودش را در عصر بهرام دوم اینگونه معرفی می کند: «پس از آن که بهرام اول از دنیا رفت و بهرام بهرامگان (بهرام دوم) به پادشاهی رسید به دلیل علاقه اش به اورمزد و ایزدان و برای روان خودش جایگاه و مرتبه ی مرا بالاتر برد و مرا در همه ی کشور و در همه ی جاها در امور دینی فرمانروا تر کرد آن گونه که قبل از این نبودم و مرا در همه ی کشور موبد و داور کرد و مرا حاکم آذر آناهید - اردشیر و بانو آناهید در اصطخر کرد و نام مرا «کرتیر، موبد نیک بخت بهرام و هرمزد» نهاد و در همه ی کشور ایزدان مهتر شدند و دین زرتشتی و مغان به جایگاهی بالاتر ارتقا پیدا کردند و ایزدان آب و آتش و چهارپا در کشور بسیار خشنود شدند اما به اهریمن و دیوان بزرگ زیان رسید و کیش اهریمن از بین رفت، من آن کرتیرم که در زمان شاپور شاهان شاه «کرتیر هیربد» نامیده شد و در زمان هرمزد شاهان شاه و بهرام اول «کرتیر موبد هرمزد» نامیده شدم و در زمان بهرام دوم «کرتیر، موبد نیک بخت بهرام و هرمزد» نامیده شدم» (همان: ۸۸-۸۹).

آن چه در خصوص پایگاه اجتماعی کرتیر در دوره ی چهار پادشاه ساسانی ذکر شد روندی صعودی را نشان می دهد و حتی در عصر بهرام دوم تمامی مسائل قضایی کشور را نیز در کنار وظایف مذهبی عهده دار می شود، اینگونه می توان استنتاج نمود که شاید به علت تثبیت پایه های قدرت دولت ساسانی، دیگر نیازی به تسامح مذهبی مانند دوره ی شاپور اول نبوده و از این رو بود که به سرکوب دیگر مذاهب خصوصاً مانویان می پردازد. کرتیر از میان پادشاهان ساسانی که معاصر وی بوده اند بهرام دوم را بیشتر از همه می ستاید و به نوشته ی کتیبه هایش بهرام دوم از بقیه ی شاهان ساسانی ممتازتر بود: «و اما بعد بهرام، شاهنشاه بلند همت و جوانمرد و درستکار و با ایمان و کارها را به نیکی و شایان تقدیر انجام می دهد، منصوب گشت» (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

آن چه از این متن کتیبه زرتشت می توان برداشت نمود تقدیر و ستایش کرتیر از بهرام دوم به خاطر اداره ی مملکت و اقتدار وی در پادشاهی نبوده، بلکه ملاک اصلی کرتیر در مورد خصوصیات اصلی یک پادشاه، ایمان وی به دین زرتشتی بوده و به کار بردن این آئین در کشورداری است، خصوصیتی که وی با توجه به جایگاهش می توانست بر پادشاه بیشتر نفوذ داشته باشد و او را تحت امر خویش قرار دهد، از این رو است که می بینیم در این دوره کرتیر به بالاترین درجه ی اجتماعی و مذهبی خویش ارتقا پیدا می کند و در وجود پادشاه جوان آن چنان که آرزوی وی بود رسوخ نموده و وی را تحت امر خویش درآورده بود (فرای، ۱۳۸۲: ۴۶). از علائم افزایش قدرت کرتیر در نیمه ی دوم سده ی سوم میلادی این است که تنها فردی است خارج از خاندان سلطنتی که توانسته شرح احوال و اعمال خویش را مانند شاهان ساسانی بر سنگ بنویسد، آن هم در مکانی بسیار مهم و مقدس یعنی کعبه ی زرتشت کنار کتیبه ی شاپور اول، کرتیر با توجه به این که در دوره ی شاپور اول به نوشته ی خودش به تأسیس آتشکده هایی پرداخته و به روحانیان پول و شاید قدرت بیشتری داده است، اما با توجه به لقب وی که هیربد بوده

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

است، حاکی از آن است که یا وی مقام پائین روحانیت را در این عصر داشته است و یا هنوز سلسله مراتب واقعی در مورد روحانیان در این دوره به وجود نیامده بود. او همچنین وظیفه‌ی خویش دانسته که حوزه‌های دینی یا مدارس علمیه‌ی تأسیس کند برای آموزش روحانیان در مورد تعلیم مسائل مذهبی، و در زمان بهرام علاوه بر این که مقام نیرومندترین فرد را به دست می‌آورد، به مقام داور سراسر امپراتوری نیز انتخاب می‌شود که نشانگر این است که مقامات قضایی از بین روحانیان انتخاب می‌شدند (دریایی، ۱۳۸۷: ۶۷-۷۰).

با توجه به نفوذ فوق‌العاده‌ی کرتیر در زمان بهرام دوم در این جا لازم است به ذکر نمونه‌ای از پیشگویی‌های موبدان در امور مملکت در این دوره پردازیم که باعث رونق و آبادانی بسیاری از سرزمین‌ها شد؛ پس از سه سال و سه ماه پادشاهی بهرام اول رو به پایان رسید و پس از او پسرش بهرام دوم به پادشاهی رسید و در این دوره نزدیکان پادشاه به زبردستان و رعایا ستم فراوانی می‌کردند. (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۹۳). و به گفته‌ی مسعودی: «در دوره‌ی بهرام دوم شاهزادگان به اطرافیان و نزدیکان خویش املاک و دارایی‌های فراوان دادند در نتیجه آبادانی مملکت رو به ویرانی نهاد و دارایی‌های خزانه کاهش یافت و نیروهای سپاه رو به ضعف نهادند، یک روز پادشاه سوار بر اسب به همراه موبدان به سوی مدائن حرکت نمود برای تفریح و شکار، تا این که به یک خرابه‌ای رسید که در گذشته آباد بود اما در عصر وی ویران شده بودند، و جغدی را دید که صدا می‌کند و جغدی دیگر به آن پاسخ می‌دهد، آن گاه موبد به پادشاه پاسخ داد که جغدها در خصوص ویرانی‌آبادی‌ها در عصر شما صحبت می‌کنند و می‌گویند اگر دوران این پادشاه به درازا بکشد ده‌های فراوانی ویران می‌شوند، آن گاه پادشاه بسیار متأثر شد و در اندیشه فرو رفت و در خلوت با موبدان به مشورت نشست و از وی چاره خواست، موبدان گفت: «ای ملک جوانبخت، ملک جز به شریعت و طاعت خدا و عمل

به امر و نهی او قوت نگیرد و شریعت نیز جز به ملک قوام ندارد، قوت ملک به مردان است، و قوام مردان به مال و مال جز به آبادی حاصل نشود و آبادی جز به عدل صورت نگیرد، زیرا عدل ترازوی خدا است که میان خلق نهاده، و سرپرستی بر آن گمارده که شاه است» پادشاه از موبدان درخواست نمود واضح تر برایش تشریح نماید. موبدان گفت: «ای پادشاه تو املاک را از صاحبان و آباد کنندگان گرفته که خراج گذار و مالیات بده بودند و به اطرافیان و خدمه و افراد بی کار دادی که به سود آنی چشم دوخته بودند و در فکر آباد کردن نبودند و به علت نزدیکی و خویشاوندی پادشاه با آنان، از دریافت مالیات از ایشان سهل انگاری شد و فشار مالیاتی بر دیگر آباد کنندگان آمد و آن ها نیز ناچار شدند املاکشان را رها کنند و آبادی ها را ترک کنند در نتیجه آبادی ها از بین رفت و مالیات و درآمد خزانه کم شد». پس از شنیدن این سخنان از موبدان، پادشاه همه ی وزیران و دبیران و دیوان داران را احضار نمود و سه روز در همان جا اقامت نمودند و املاک را از نزدیکان پس گرفتند و به صاحبانشان برگرداند و مانند گذشته به اداره ی مملکت پرداخت در نتیجه عمران و آبادی مملکت آغاز شد و دارائی های خزانه ی سلطنت فزونی یافت و سپاه دوباره قدرتمند شد و مملکت به اندازه ای آباد شد که دوران این پادشاه را عید نامیدند.» (مسعودی، ۱۳۸۷: ۲۴۶-۲۴۸).

در نصایح موبدان به بهرام آن چه بدان تأکید می شود همراهی دین و ملک است و گسترش عدالت و کم کردن قدرت نزدیکان شاه که مسلماً هدف وی افزایش قدرت و میزان نفوذ موبدان در این امر را در پی دارد. زیرا انجام این امور مستلزم اطاعت از اوامر موبدان است. به گفته ی لوکونین: «پس از پایان دوران پادشاهی بهرام دوم قدرت طبقه ی روحانی رو به کاهش می گذارد، نرسی به نام اهورامزدا و همه ی ایزدان و الهه ی آناهیتا، به تخت پادشاهی جلوس کرد. در تصویر ویژه ی تاج گذاری نرسی در نقش رستم، نشان قدرت و پادشاهی از جانب آناهیتا به وی واگذار شده است و مانند پادشاهان ابتدائی

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

دوره ی ساسانی از جانب اهورامزدا این نشان را دریافت نمی کند، و به گفته ی وی نرسی همچنین از جدّ خویش اردشیر چنین یاد می کند: «نیای ما بود و به نام ایزدان، سراسر کشور را سرشار از افتخار کرد و دگر کسی چون او نبود» و اعلام کرد که همه ی قدرت و شهریاری و همه ی کارهای دولتی و دینی از این پس در دست خودش تمرکز خواهد یافت.» (لوکونین، همان: ۱۹۴). شواهد و مطالب مذکور در کتیبه ی نرسی و نقش تاجگذاری وی حاکی از آن است که از میزان قدرت و نفوذ موبدان در دوره ی وی نسبت به عصر پادشاهان قبل از او کاسته شده است و به نظر می رسد که علت اصلی آن این باشد که دوران پیری کرتیر بوده و دیگر آن ذوق و شوق دوران جوانی را نداشته و روحانی بانفوذ دیگری نیز در این دوران نبوده، و از شواهد آن این است که نرسی ذکر می کند قدرت دنیوی و مذهبی را در حیطه ی اراده ی خویش درآورده است. اما در عصر پادشاهان قبل خصوصاً عصر بهرام دوم شاهد هستیم که تمامی امور مذهبی و قضائی کشور در حیطه ی اختیار کرتیر بوده است، در واقع نوعی خلأ روحانیت را در عصر این پادشاه می توان یافت که در زمان پادشاه بعدی این خلأ پر می شود و روحانی بانفوذ دیگری سر بر می آورد که در ادامه با آن آشنا می شویم.

نکته ی دیگری که در خصوص همراهی روحانیت زرتشتی با دربار لازم به یادآوری می باشد، حضور روحانیان در مراسم بار عام بود، که این توفیق نصیب همه ی افراد نمی شد و فقط خاصگان بودند که به این توفیق نائل می شدند که این نکته نیز شاهد دیگری از ملازمت روحانیان در دربار بود. پادشاه ساسانی هنگامی که در مورد مسائل مهم مملکتی مشورت می کردند یا به ارتکاب جرم شخصی مقتدر رسیدگی می نمود، به گفته ی یکی از مورخین ارمنی بار عام داده می شد و در این موقع موبدان اطراف شاه قرار می گرفتند و درباریان و سربازانی که نگهبان خاص شاه بودند نیز در مجلس حاضر می شدند و دیگر مردم اجازه می یافتند در بیرون محوطه بایستند و نظاره گر وقایع باشند.

(نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۰-۳۱). در خصوص این ملازمت و همراهی روحانیان و پادشاهان به بررسی بخشی از کتیبه ی زرتشت می پردازیم؛ به نوشته ی کرتیر در شهرستان انطاکیه، کشور سوریه و مناطق وابسته به سوریه، شهرستان طرسوس، کلیکیه، شهرستان قیصریه، شهر کاپادوکیه و نواحی وابسته به کاپادوکیه و ارمنستان و گرجستان و اران و بلاسگان فراز تا دروازه ی اران، شاپور شاهان شاه تصرف کرد و غارت نمود و ویران نمود، در آن نواحی من به دستور پادشاه مغ ها و آتشکده هایی که وجود داشتند را مرتب کردم و من اجازه ندادم که غارت شوند و هر چیزی که غارت شده بود من دوباره باز گرداندم و آنان را به نواحی قبلی خودشان باز گرداندم.. (همان: ۹۰).

این مطالب بیانگر آن است که اولاً کرتیر امور دینی مملکت را برعهده داشته و ظاهراً بالاترین فرد در امور دینی این دوره بوده و ثانیاً جزء خاصگان و نزدیکان پادشاه بوده و حتی در امور سیاسی و لشکرکشی های پادشاه به نواحی مختلف نیز لشکریان را همراهی می نمود. علاوه بر همراهی پادشاه در لشکرکشی ها و مراسم بار عام و انجام امور مربوط به آتشکده ها، طبقه ی روحانیان در امور سیاسی بسیار مهم مانند تعیین پادشاه نیز دخالت بسیار موثری داشتند. به نوشته ی نامه ی تنسر؛ شاهنشاه در مورد تعیین ولیعهد و جانشین با هیچ شخصی مشورت نمی کند بلکه با خط خویش در سه نسخه می نویسد و هر نسخه را به شخص امین و مورد اعتمادش می سپارد. یکی از آن ها را به رئیس موبدان و دیگری را به بزرگ دبیران و نسخه ی سوم را به اسپهبد اسپهبدان می سپارد تا اگر زمانی پادشاه از دنیا رفت ابتدا موبدان موبد را خبر می کنند و آن دو شخص دیگر را نیز احضار می کنند و آن نسخه هایی را که به مهر پادشاه ممهور شده می آورند و سپس بین خودشان در مورد انتخاب یکی از فرزندان پادشاه به جانشینی رأی گیری می کنند، اگر در این مورد رأی موبدان با رأی آن دو نفر موافق باشد آن را به اطلاع همه ی مردم می رسانند و اگر موبدان موبد با آن دو موافق نباشد در این مورد هیچ چیزی را آشکار نمی

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

کنند تا این که موبد با دیگر روحانیان و زهاد در خلوت به مشورت و گفتگو در این باره بنشینند و هنگام نماز مغرب آنچه از جانب خداوند بر دل موبد منزل شد، همان نظر و ایده را مورد قبول می‌دارند و در همان شب تاج پادشاهی را بر سر آن شخصی که موبد معین می‌کند می‌گذارند و موبد با صدای بلند فریاد می‌زند و می‌گوید: «ملایکه به ملکی فلان بن فلان راضی شدند، شما خلائق نیز اقرار دهید، و بشارت باد شما را». و پس از آن، پادشاهزاده را بر تخت پادشاهی می‌نشانند و تاج بر سر او می‌گذارد و دست آن را می‌گیرند و گویند: «قبول کردی از خدای بزرگ، بر دین زرتشت، که شاهنشاه گشتاسب بن لهراسب تقویت کرد، و اردشیر بن و اردشیر بن بابک احیا فرمود». پادشاه این تعهد را می‌پذیرد و می‌گوید: «ان شاءالله بر صلاح رعیت موفق باشم». و جماعت خادمان پیش او می‌مانند و دیگر گروه‌ها هرکدام بر سر کار خویش باز می‌گردند. (اکبرزاده، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۷). در عصر ساسانیان موبدان به اندازه‌ای نفوذ و قدرت داشتند که پس از مرگ شاهنشاه تا زمانی که موبدان موبد به پادشاهی شخصی که سلطنت حق وی بود رأی نمی‌داد و با دست خویش تاج را بر سر او نمی‌گذاشت او نمی‌توانست پادشاه قانونی باشد، زیرا مشروعیت دینی و قدرت معنوی پادشاهان با تنفیذ آنان توسط روحانیان انجام می‌گرفت و اگر موبدان موبد به این امر رأی نمی‌داد نمی‌توانست به تخت پادشاهی بنشینند و انتخاب وی قبل از مرگ شاهنشاه قبلی کاری بیهوده بود و در این مورد حتی موبدان موبد قدرت خلع پادشاه را نیز داشت، چنان که پس از مرگ هرمزد دوم قانوناً آذر نرسه پسر بزرگ وی می‌بایست به سلطنت برسد اما پس از چند ماه وی را خلع کردند و برادر دوم را نیز کور کردند و وی را از رسیدن به پادشاهی محروم نمودند و برادر سوم را که هرمزد نام داشت نیز به زندان انداختند و وی به سرزمین روم گریخت و سلطنت را به شاپور دوم دادند که برادر چهارم و هنوز کودکی نابالغ بود و در زمان طفولیت وی، مادرش به همراه بزرگان دربار کفالت وی را در سلطنت برعهده

داشت. علاوه بر این موبدان موبد حق رسیدگی به شکایت کسانی که از شاهنشاه شاکی بودند را نیز برعهده داشت. (نفیسی ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۷۷). نکته قابل تامل این است که چرا کرتیر با توجه به نقشی که در ساختار دینی و سیاسی عصر ساسانی داشت فراموش می شود و نامی از او در منابع عربی و حتی در نوشته های پهلوی دیده نمی شود؟

احمد تفضلی بر این باور است که چون کرتیر از مذهب برای پیشبرد مقاصد سیاسی خود استفاده کرد، تاریخ‌نگاری زرتشتی او را به فراموشی سپرده است (تفضلی، ۱۳۷۰: ۴۵۶). از سوی دیگر، ریچارد فرای معتقد است که حذف کرتیر از تاریخ نمی‌تواند علتی سیاسی داشته باشد و در ادامه می‌گوید که این حذف یا علتی دینی دارد یا اینکه از کرتیر با نام «تنسر» یاد شده است (فرای، ۱۳۸۲: ۲۱۵). احتمال دیگری که وجود دارد این است که نرسی با این حامی سرسخت بهرام مخالف بوده و وقتی که به قدرت رسید یاد بدها و کارهای کرتیر را نابود کرد. می‌دانیم که نام نرسی به جای بهرام در بیشاپور جایگزین شده بود. اما غیر از این نرسی با دیگر عقاید بهرام و با کرتیر برخورد نکرد. هنگامی که به بررسی آثار ناقص و ازبین رفته کتیبه های پایکولی می‌پردازیم. ممکن است چنین نتیجه بگیریم که کرتیر به عنوان دشمن نرسی به نظر نمی‌رسد. بلکه به عنوان هوادارانی نرسی به شمار می‌رود. اگر نرسی کرتیر را سرکوب نمی‌کرد چگونه می‌توانیم دلیل عدم ذکر کرتیر در متون ادبی فارسی را توجیه کنیم. مگر اینکه نرسی به او ضربه ای وارد کرده باشد و فرمانروای بعدی با کارهای او مخالفت نموده باشد. از آنجایی که کرتیر اساساً مذهبی بود می‌توان احتمال داد که یک تغییر مذهبی در طی تاریخ ساسانیان باعث حذف کرتیر شده باشد، یا کار کرتیر تحت عنوان دیگری «تنسر» حذف شده باشد.

به نظر می‌رسد کرتیر به عنوان موبد موبدان از حاکمان هدایای بسیاری دریافت کرده است، اما خود پرستی او نتوانسته بود جای او را در سنت آتشکده های زرتشتیان تثبیت

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

کند. کرتیر یک روحانی سیاسی بود که اساساً اهمیت او جنبه سیاسی داشت، اما به عنوان یک شخص مذهبی نمی توانست با حاکمان و وزراء یا... که نامهایشان در طی قرنهای در منابع باقی مانده رقابت کند. احتمال می رود نام کرتیر در تاریخ تصادفاً تعریف شده باشد همانطور که طبری نام موبد موبدان اردشیر را به عنوان پاهر ثبت کرده است. اگر چه کرتیر در دوره حکومت بهرام اول و دوم رشد نمود و به اوج قدرت رسید تا در زمان اردشیر. آنچه از این توضیحات بر می آید این است که گذر زمان نمی تواند باعث فراموشی کرتیر شده باشد. نرسه و سیاست داخلی وی مبتنی بود بر تسامح و مدارا با ادیان از جمله مانویان، (شاید می خواست حمایت مانویان روم را به دست آورد (در سال ۲۹۷ م دیو کلیسن با صدور فرمانی مانع تبلیغ مانویان شد). از نظر شییمان نرسی به آیین آناهید برگشته بود (شییمان ۱۳۸۳: ۱۲۱). ظاهراً وی می خواسته دلبستگی اش را به ایزد بانو نشان دهد، که به معنی گسست و بازگشت به سنت ساسانیان نخستین بوده است. و همچنین نرسه بار دیگر لقب سرور معبد استخر را از آن خود ساخت (دوشین گین، ۱۳۸۷: ۱۰۳). احتمال می رود که سیاست تسامحی که در زمان شاپور اول حاکم بود در زمان نرسه از سر گرفته می شود (فرای، ۱۳۸۲: ۲۳۱). و این احتمالاً به این معنی است که تمام آنچه کرتیر رشته بود پنبه می شود. و مشخص نیست که این اتفاقات در زمان حیات خود کرتیر بوده یا بعد از مرگش. آنچه مسلم است این است که با همه این اتفاقات می توان نقش کرتیر را در بنیانگذاری مذهب رسمی و ملی کشور موثر دانست (دانیالی، فاضل: ۱۳۸۳، ۲۱). و اما چگونه ممکن است که کرتیر در چهار کتیبه از خودش یاد کرده باشد اما در منابع دیگر از او یاد نشده باشد. ترس او از چه بوده که در چهار کتیبه از خود یاد می کند؟ به خاطر جاودانه ماندن نام خود، کارهایش و یا مسائل دیگر؟ و این سوالی است که همچنان بی پاسخ مانده است.

نتیجه :

پدیدارشدن هرپدیده، اندیشه و تفکری نتیجه وضعیت پیش از آن در جامعه است که لزوماً اندیشه و تفکرات جدید را در برابر بحرانا و چالشهای ایجاد شده در جامعه ضروری می کند. شاهنشاهی ساسانی از همان ابتدای ماهیت دهی به سرزمینهای زیر سلطه خود، نیازمند یک ایدئولوژی بود که این ایدئولوژی توسط نهاد سیاسی در نقش برجسته ها نمود یافت. در زمان اردشیر اول، ایدئولوژی او مبتنی بر پیروزی خیر بر شر بود. موضوعی که برای مردم ایران کاملاً شناخته شده بود. در زمان شاپور اول برای اینکه بتواند رضایت ایالات با مذاهب مختلف را تامین کند براندیشه سیاسی تسامح گرایانه متمایل شد، که همین امر زمینه را برای بالندگی آیین و تفکرات جدید فراهم نمود. وزمانی که همین فرقه ها رنگ سیاسی به خود گرفتند تهدیدی برای نهاد سیاست به شمار می رفتند. حال اگر شاهنشاه ساسانی نتواند از طریق نیروی نظامی از کشور محافظت کند با بحران مشروعیت روبه رو خواهد شد. و اینجاست که دست اشراف و درباریان در امور کشور باز می شود و نهاد سیاست با چالش تهدید مشروعیت روبه رو می گردد. اینجاست که سیاست نیازمند فردی است که مجری تفکرشان باشد و بتواند ایدئولوژی را در پس دین ساماندهی کند. به همین منظور در اوایل شاهنشاهی ساسانی به شخصی به نام کرتیر برمی خوریم. کسی که سیاست دینی و اندیشه های حکومتی از اندیشه های او متاثر بود. و نقش او در ایجاد پیوند میان دین و دولت و تثبیت قدرت روحانیان از همه ی روحانیان بیشتر بود. کرتیر تنها موبدی است که همچون پادشاهان کتیبه بر جای می گذارد و در آن از خدمات خویش به شاه و دین سخن می گوید. قدرت کرتیر حتی از تنسر هم بیشتر بود چرا که تنسر به عنوان مشاور سیاسی - مذهبی و نظریه پرداز مذهبی نقش اجرایی چندانی در سیاست دینی اوایل دوران ساسانی نداشت در حالیکه کرتیر به عنوان مجری سیاست های دینی ساسانیان از توانمندی اجرایی بسیار فراوانی برخوردار بود.

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

کرتیر به ایدئولوژی و نقش و تاثیر آن در قدرت سیاسی پی برده بود. بنابراین اندیشه های سیاسی او در قالب اندیشه دینی بانماد اصلی آشکاره در برابر شاهنشاهی ساسانی نمود پیدا کرد.. کرتیر در راستای ایجاد ایدئولوژی یکپارچه برای کل جغرافیای سیاسی دوره ساسانی، با نیروی سیاسی مرکز گریز ایالات و مناطقی که تحت تاثیر مذاهب منتشر شده قرار گرفته بودند، دست به ایجاد یک سازمان دینی و تعقیب گروههای دینی معارض زد. و به این ترتیب یکپارچگی کل کشور را حفظ کرد. و در پی اقدامات و فعالیتهای وی بود که رئیس طبقه روحانیون توانست به جمع طبقه بزرگان راه پیدا کند و نهاد روحانیت زرتشتی شخصیت و اعتبار یابد. اما با وجود همه اقدامات و فعالیتهایی که انجام داد بعد از مرگش در تاریخ محو شد.



تصویر 3 کتیبه کرتیر در نقش رجب

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر



تصویر 4 کتیبه کرتیر در ضلع شرقی کعبه زرتشت، در زیر کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت

کتابشناسی

ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، العبرتاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمدآیتی، چاپ سوم، جلد ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳

آرتور، کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ هشتم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵

اکبرزاده، داریوش، سنگ نبشته های کرتیر موبد موبدان، شامل متن پهلوی، چاپ اول، تهران: نشر پازینه، ۱۳۸۵

انصافی، مصطفی، دین و دولت در عصر ساسانی، فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی، دوره ۱۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۸

ایمان پور، محمد تقی. فصلنامه مطالعات تاریخی، نقش روحانیت زرتشتی در تقویت حکومت ساسانی. دوره دوم. سال دوم و سوم. شماره ۸۹-۸۱-۸۰، تابستان ۱۳۶۹

پیگو لوسکایا، ن. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷

تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان، گردآورنده، یارشاطر، احسان، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۹۲

تفضلی، احمد، یکی قطره باران، جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی. تهران: چاپخانه مهارت، ۱۳۷۰

تفضلی، احمد و ژاله آموزگار. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶

ظهور سیاست دینی در دوره ساسانیان با تکیه بر نقش کرتیر

جهانپور، فاطمه، نشریه جستارهای نوین ادبی تحلیل محتوایی معراج نامه های مزدایی، شماره ۱۹۰،

۹۶-۹۳، پاییز ۱۳۹۴

حقیقت، عبدالرفیع، حکومت دینی ساسانیان، چاپ اول، تهران: نشر قومش، ۱۳۸۶

دانیالی، فاضل، کرتیر در آینه تاریخ، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۴

دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات

ققنوس، ۱۳۸۷

دیاکونوف، م. م. تاریخ ایران باستان. ترجمه روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰

ذکاء، یحیی، تندیس مفرغی کرتیر، مجله آینده، سال دوازدهم، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۶۴

رجایی، فرهنگ، تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان، تهران: قومس، ۱۳۷۲

رجبی، پرویز، هزاره های گمشده، جلد ۵، تهران: توس، ۱۳۸۴

زریاب خویی، عباس. ساسانیان. تهران: دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۴

زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران، ج ۱. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱.

سامی، علی، تمدن ساسانی، شیراز: بی تا

سمیعی، احمد، ادبیات ساسانی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران، ۱۳۵۵

شییمان، کلاوس، تاریخ شاهنشاهی ساسانی، ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران انتشارات سازمان

میراث فرهنگی، ۱۳۸۳

عبداللهی، فرشته، دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، چاپ اول، تهران:

نشر: ققنوس، ۱۳۸۶

عریان، سعید، راهنمای کتبه های ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲

فرای، ریچارد، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲

کرباسیان، ملیحه؛ کریمی زنجانی اصل، محمد، بدعت گرایی و زندقه در ایران عهد ساسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات اختران، ۱۳۸۴

گیمن، دوشن. دین ایران باستان. ترجمه رویا منجم. تهران: فکر روز، ۱۳۷۵.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، تمدن ایران ساسانی، ترجمه: عنایت الله رضا، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ ششم، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

مینویی، مجتبی، نامه تنسر، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۹

نفیسی، سعید، تاریخ تمدن ایران ساسانی، به اهتمام: عبدالکریم جریزه دار، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر. ۱۳۸۳

ویسهوفر، نقوش برجسته ای ایران در دوره ساسانی، ویراسته جان کرتیس، ترجمه زهراباستانی، تهران: سمت، ۱۳۸۹

Boyce, Mary (۱۹۶۸). *The Letter of Tansar Roma: Istituto Italiano Per Il Medio Ed Estremo Oriente.*

The emergence of religious politics in the Sasanian period, focusing on the role of Kartir.

Parvin Ranjbar^۲

The rise and fall of the centralized system of the Sasanian Empire cannot be explained without examining the association of the Mobadi (Zoroastrian clergy) with it. The Zoroastrian clergy gradually became more organized and powerful from the middle years of the Parthian rule, and eventually, following the rise of the Sasanian dynasty to a high position, that is, alongside the monarchy, it began to influence the domestic and foreign policies of Iran during the Sasanian era. This authority was especially derived from the deep social influence of the clergy, which relied on the customs, traditions, and the doctrinal and legal system of Zoroastrianism. The main issue of this research is to explain the role and position of Kartir in a period of the Sassanid era. In it, an attempt has been made to address the role of Kartir in the structure of Sassanid religious politics. In the present article, information has been collected in a library manner and the research method is descriptive-analytical. This research has shown that: One of the classes of Sassanid society was the clergy or Asrons, whose head was among the privileged class of society. Among the Zoroastrian clergy who experienced the Sassanid monarchy (Azardshir to Nersi), was Kartir, who was able to enter the ranks of the elders of Sassanid society due to his actions, activities, ability, and possibly genius and charismatic personality. He tried to give personality and credibility to the institution of Zoroastrian clergy and to be effective in the formation of the official religion of Sassanid society and its religious structure. And upon the coming to power of Nersi, the measures he took, or in fact the system he had organized, if not completely, then faded away, and then he himself disappeared and was lost in history.

Keyword: Sasanians, Zoroastrian clergy, Kartir, religious politics, Zoroastrianism

^۲ -Phd of Islamic History - Islamic Azad University - Darab Branch - Farhangian University Shiraz. ranjbarp.۱۳۵۸@gmail.com